

دوم تواریخ باب 1

دعای سلیمان پادشاه برای خردمندی

(اول پادشاهان 1:3-15)

1 سلیمان پسر داوود، پادشاهی خود را استوار کرد. خداوند خدای او، با وی بود و او را بسیار قوی ساخت.

2 سلیمان تمام اسرائیل، فرماندهان گروههای هزار نفری و صد نفری، همه رهبران اسرائیل و رؤسای خانواده‌ها را فراخواند. 3 آنگاه سلیمان و همه مردم به بالای تپه‌ای که در جبعون بود، رفتند؛ زیرا خیمه مقدس خداوند که موسی، بنده خداوند آن را در بیابان ساخته بود، در آنجا بود.

4 اما داوود در اورشلیم مکانی برای صندوق پیمان آماده و در آنجا خیمه‌ای برپا کرده بود و صندوق پیمان خدا را از قریت یعاریم به آنجا منتقل کرده بود. 5 قربانگاه برنزی که بصلئیل پسر اوری، نوه حور ساخته بود، در برابر خیمه مقدس خداوند در جبعون بود. سلیمان و جماعت در آنجا نیایش کردند. 6 سلیمان به سوی قربانگاه برنزی که در مقابل خیمه مقدس بود، به حضور خداوند رفت و روی آن هزار قربانی سوختنی تقدیم کرد.

7 شب هنگام، خداوند به سلیمان ظاهر شد و به او گفت: «چه می‌خواهی تا به تو بدهم؟»

8 سلیمان به خدا گفت: «تو نسبت به پدرم داوود، همیشه محبت پادار نشان دادی و مرا به جای او پادشاه کردی. 9 ای خداوند خدا، بگذار وعده‌ای را که به پدرم داوود دادی، اکنون انجام پذیرد، زیرا تو مرا پادشاه مردمی کردی که مانند غبار زمین بی‌شمارند. 10 اکنون به من خرد و دانشی را که برای رهبری ایشان نیاز دارم، ببخش. چون کیست که بتواند این قوم بزرگ تو را رهبری کند؟»

11 خدا به سلیمان پاسخ داد: «چون این خواسته دل توست و تو دارایی و توانگری و احترام یا جان کسانی که از تو متنفرند یا عمر طولانی نخواسته‌ای، بلکه خرد و دانش برای خود درخواست کرده‌ای تا بتوانی قوم مرا، که تو را پادشاه آنها کرده‌ام، فرمانروایی کنی، 12 من به تو خرد و دانش خواهم داد و همچنین چنان دارایی و توانگری و احترامی به تو خواهم داد که هیچ پادشاهی قبل از تو نداشته و بعد از تو نیز نخواهد داشت.»

ثروت و قدرت سلیمان

(اول پادشاهان 10:26-29)

13 پس سلیمان از بالای تپه جبعون، از برابر خیمه مقدس به اورشلیم بازگشت و بر اسرائیل سلطنت نمود. 14 سلیمان به جمع‌آوری آرابه‌ها و اسبها پرداخت، او هزار و چهارصد آرابه و دوازده هزار اسب داشت که در شهرهای آرابه‌ها و در اورشلیم نزد خود، مستقر کرده بود. 15 پادشاه طلا و نقره را در اورشلیم مانند سنگ ارزان کرد و چوب سدر به فراوانی چوب چنار در تپه‌های یهودا. 16 سلیمان اسبها را از مصر و سیسل وارد می‌کرد و بازرگانان پادشاه، آنها را به بهایی معین خریداری می‌کردند. 17 ایشان

از مصر اَرابه وارد می‌کردند و سپس آنها را هریک به قیمت ششصد تکه نقره و هر اسب را به قیمت صد و پنجاه تکه نقره به کشور پادشاهان حِتی و سوریه صادر می‌کردند.